

بسم الله الرحمن الرحيم

تعریف قصاص

(از هاق النفس المعصومه المكافئه عمدا عدوانا)

یعنی بیرون بردن نفسی (گرفتن جان) که معصوم و همتا (هر دو مسلمان یا هر دو آزاد) و از روی عمد و از روی دشمنی باشد.

قتل عمد

تعریف مصنف: هرگاه فرد بالغی با وسیله ای که نوعاً کشنده است، قصد قتل دیگر را کند.

تعریف ثانی: هرگاه حتی با وسیله ای که نوعاً کشنده نیست به قصد قتل، دیگری را بکشد.

قتل شبه عمد

اگر قصد قتل نباشد و فقط صرف تادیب باشد و همچنین از وسیله کشنده استفاده نگردد جرم شبه عمدی محسوب میشود.

تست: وجه تسمیه قصاص به قود چیست؟



1) زیرا قاتل باید با اذن قاتل و ولی مسلمین قصاص شود

2) زیرا اراده قتل عدواناً موجب تحقق قصاص است هر چند فعل ندرتاً کشنده باشد.

3) قود یعنی ریسمان، از آنجا که جانی را با ریسمان به دنبال خود می کشند لذا به قصاص قود گفته اند.

4) از آنجا که در قصاص عضو در بعضی موارد خوف سرایت به نفس وجود دارد لذا به قصاص قود گفته اند.

مصادیق قتل عمد

- 1_ ضربه های متعدد: اگر فردی که از لحاظ بدن یا زمان تحمل ضربات مکرر را ندارد ضرباتی بزند یا به شخص بیمار ضرباتی بزند حتی قابل تحمل باشد اما بخاطر بیماری تلف شود عمد محسوب میشود.
- 2_ انداختن فردی در آتش (طرحه فی النار) قتل عمد محسوب میشود مگر اینکه شخص قادر به خارج شدن از آتش باشد.
- 3_ انداختن فردی در آب (طرحه فی اللجه) قتل عمد است مگر قدرت بر خارج شدن از آب را نداشته باشد.
- 4_ سرایت کردن جراحت و مردن شخص قتل عمد محسوب می شود حتی اگر شخص قادر به مداوا هم باشد
- 5_ انداختن تیر یا سنگ غامز (لورماه بسهم او بحجر غامز) قتل عمد محسوب میشود.
- 6_ فشار دادن گلوی شخصی باطناب از مصادیق قتل عمد است.
- 7_ انداختن کسی در دریا و بلعیده شدنش توسط ماهی (لو القاه فی البحر، فالتقمه الحوت) قتل عمد محسوب میشود
- 8_ سگ درنده ای را به سمت کسی فرستادن و تحقق جرم باعث عمدی بودن آن میشود مگر اینکه امکان کشتن سگ باشد یا امکان فریاد زدن باشد
- 9_ قراردادن نیزه در عمق چاه که غالبا کشنده است (نصل منصوب فی عمق البئر الذی یقتل غالباً) قتل عمد محسوب میشود.
- 10_ انداختن فردی به سوی شیر (القاه الی اسد بحيث لا یمكنه الفرار)
- 11_ شهادت دروغ موجب قصاص قتل عمد محسوب شده و موجب قصاص شاهد میشود.
- 12_ زدن رگ شخصی (لوقصده، فترک المفصود شده) قتل عمد محسوب میشود.
- 13_ انداختن کسی داخل چاهی که دیگری کنده (دفعه فی بئر حفرها الغیر) قتل عمد محسوب میشود اگر کسی که انداخته عالم به چاه باشد عمدی و در صورتی که جاهل به وجود چاه باشد قتل شبهه عمد بوده و قصاصی نبوده و باید دیه بدهد.
- 14_ شخصی خودش را از روی بلندی کسی بیندازد که قصد کشتن داشته باشد یا این گونه افتادن غالبا کشنده باشد ویافردي را به قصد کشتن فردی که در پایین است به روی او بیندازد.
- 15_ اگر فردی غذای مسمومی را جلوی فردی قرار دهد و او را از احوالات آن باخبر نکند یا در منزل دیگری قرار دهد.

اکراه در قتل و کمتر از قتل

اکراه در قتل محقق نمیشود بلکه در کمتر از قتل ممکن است محقق شود و لذا فرد دستور دهنده را قصاص می کنند.

1_ اگر کسی که مرده هم تراز باشد قصاص بر مباشر است .

2_ اگر کشته شده ، هم کفو نباشد دیه بر مباشر است.

نکته : در دو مورد بالا دستور دهنده را حبس می کنند تا بمیرد.

نکته: در اکراه کمتر از قتل نفس قصاص بر اکراه کننده است.

استثنا: اگر اکراه شده بچه غیر ممیز یا مجنون باشد قصاص بر گردن اکراه کننده است زیرا مباشر در حکم آلت و ابزار است.

تست: در عبارت (یمكن الاکراه فیما دون النفس، عملاً بالاصل) چه اصلی دلیل حکم واقع شده است؟ آزاد

1) اصل برائت

2) اصل صحت

3) اصل ارتفاع تکلیف عند الاکراه

4) اصل جواز

تست : دلیل عبارت در کدام گزینه بیان شده است؟

(لو اکره الصبی غیر الممیز او المجنون القصاص علی مکره هما)

1) لانه مباشر عرفا

2) لان المباشر کالاله

3) لانه سبب ضعیف

4) لانه مباشر شرعا

احکام کشتن یک نفر توسط یک گروه

الف_ اگر ولی دم ها نظرشان بر قصاص یا بخشش هم نظر باشند

- 1_ اگر ولی بخواد همگی را بکشد باید مازاد بر دیه مقتولین را به آنها بدهد.
- 2_ اگر بعضی را بکشد مابقی که زنده اند بر حسب جنایتشان مقدار دیه را می دهند.
- 3_ اگر دو نفر را بکشد، نفر سوم یک سوم دیه را بعنوان آنچه که به جنایت تعلق می گیرد به دو نفر دیگر می دهد و ولی هم یک دیه کامل را به آن دو نفر می دهد.
- 4_ اگر سه نفر در قتل یک نفر مشارکت داشته باشند و ولی بخواد هر سه نفر را بکشد باید دیه دو نفر را به آن سه نفر میدهد تا میان خودشان تقسیم کنند.
- 5_ اگر چند نفر یک نفر را بکشند و ولی دم یک نفر را بکشد دو نفر دیگر دو سوم دیه را به نفر اول می دهند و بر ولی چیزی نخواهد بود.

ب_ اگر ولی دم ها نظرانشان مختلف باشد و بعضی خواستار قصاص و بعضی خواستار گرفتن دیه
:قول آنهایی که خواستار قصاص اند مقدم می شود البته بعد از آنکه سهم آنهایی را که خواستار دیه اند، بدهند

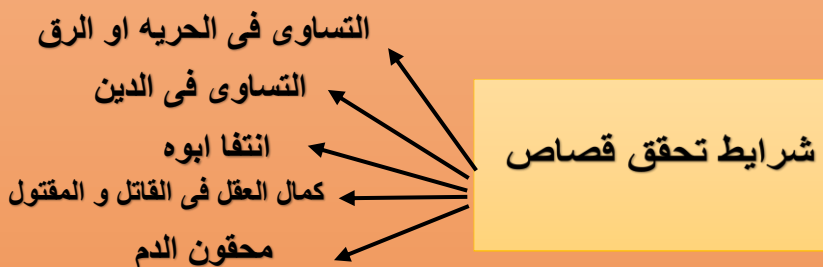
ج_ اگر دو زن یا بیشتر یک مرد را بکشند

- 1_ اگر دو زن ، یک مرد را بکشند هر دو زن کشته می شوند بدون آنکه چیزی رد شود.
- 2_ اگر چند زن با هم یک مردی را بکشند اگر ولی بخواد همگی را می کشد و البته مازاد بر دیه را هم به آنها می دهد.

د_ اگر یک مرد و زن با هم مردی را بکشند

- 1_ اگر یک مرد و زن با هم مردی را بکشند و ولی هر دو آنها را بکشد ولی باید صرفا نصف دیه را به مرد برگرداند.
- 2_ اگر ولی فقط زن را بکشد چیزی بر گردن زن نیست و مرد باید نیمی از دیه را به ولی مقتول بدهد.

شرایط قصاص



1 تساوی در حریت و رقیت

- الف_مرد آزاد را در برابر مرد آزاد می کشند.
- ب_مرد آزاد را در برابر زن آزاد بعد از آنکه ولی زن نصف دیه را به او رد می کند قصاص می کنند.
- ج_زن آزاد را در برابر زن آزاد می کشند.
- د_زن آزاد را در برابر مرد آزاد می کشند و نیازی نیست که به اولیای مرد آزاد چیزی رد شود.
- نکته : برای زن در برابر مرد حق قصاص در همان عضو است بدون آنکه نیاز به رد چیزی باشد مگر آنکه دیه به یک سوم دیه مرد آزاد برسد که در آن صورت دیه به نصف بر میگردد.

2 تساوی در دین و 3 انتفا ابوه

- الف_مسلمان را با کشتن کافر، نمی کشند اما قاتل به خاطر کشتن ذمی و معاهد تعزیر می شود و دیه ذمی را غرامت می دهد.
- ب_اگر کافر ذمی مسلمانی را بکشد او را می کشند.
- ج_اگر مرد ذمی مرد ذمی را بکشد او را می کشند و اگر مرد ذمی زن ذمی را بکشد بعد از رد مازاد بر دیه او را می کشند
- د_اگر کافری کافری را بکشد و سپس قاتل مسلمان شود در صورت ذمی بودن مقتول دیه بر گردن قاتل است.
- نکته : حکم کشتن ولدالزنا این است که اگر بالغ و عاقل باشد و اظهار اسلام کند مسلمان است و کسی که ولدالزنا نیست اگر او را بکشد کشته میشود و اگر او را قبل از بلوغ بکشند قاتل او کشته نمیشود
- نکته : پدر و هر چه بالاتر رود فرزندش را بکشد او را نمی کشند و پدر با قتل فرزند تعزیر می شود و کفاره می دهد و فرقی نیست که پدر کافر باشد یا مسلمان و اگر فرزند پدر را بکشد قصاص خواهند شد.

4_ عاقل بودن

هرگاه مجنونی، عاقلی یا مجنونی را بکشد قصاص نمی شود و دیه آن برعهده ی عاقله است. و اگر عاقلی مجنونی را بکشد  اگر قتل عمدیاشبه عمد باشد دیه بر گردن خودش است، در صورت خطامحض بودن دیه بر گردن عاقله است.

_ اگر کودک، شخصی را بکشد کشته نمی شود بلکه دیه آن را باید عاقلش پرداخت کند

_ اگر بالغی بچه ای را بکشد، کشته میشود

5_ محقون الدم بودن

یعنی خون مقتول محترم و مورد حمایت قانون باشد و کشتن اشخاص مهدور الدم قصاص ندارد اما اگر بدون اذن امام باشد مرتکب گناه شده است.

تست : معنی روایت (المرئیه تعاقل الرجل الی الدیه) چیست ؟

(1) اگر عضوی از زن توسط مرد قطع شود ثلث دیه دارد.

(2) زن و مرد تایک سوم دیه مشترکا عاقله هستند.

(3) دیه زن و مرد تا یک سوم دیه برابر است.

(4) زن فقط تاثلث دیه مرد عاقله محسوب است

تست: فلا یقتل مسلم بکافر، حربیا کان الکافر او ذمیا و معاهده....

(1) و لایعزز القاتل المسلم مطلقا و لادیه علیه مطلقا

(2) ولکن یعزز القاتل بقتل الذمی و المعاهد و الدیه علیه

(3) ولکن الدیه علیه مطلقا سواء کان المقتول ذمیا او معاهدا

(4) ولکن یعزز القاتل بقتل الذمی و المعاهد ولادیه علیه

قتل با امور زیر ثابت می شود

1) **اقرار**: یکبار اقرار بر قتل کفایت نمی کند.

2) **بینه**: دو مرد عادل کفایت نمی کند.

3) **قسامه مع لوث**: در صورتی که مدعی دلیلی بر صحت ادعای خود داشته باشد

شرایط اقرار

الف_ یکبار اقرار هم کفایت می کند

ب_ شرایط اقرار کننده: بلوغ/عقل/اختیار/آزادی (بنابراین اقرار بچه و مجنون واکراه شده و بنده پذیرفته نمیشود)

ج_ اقرار سفيه و مفلس در قتل عمد مورد قبول است.

د_ اگر فردی اقرار به قتل عمد کند و دیگری به قتل خطایی اقرار کند ولی اختیار دارد هر کدام را تصدیق می کند به موجب جنایتشان می تواند الزام کند

س_ اگر فردی اقرار به قتل عمد کند و بعد دیگری به برائت اقرار کننده اقرار کند و بعد بگوید که من قاتلم و نفر اول از اقرارش برگردد نظر شهید ثانی (ولی در تصدیق هریک از آن دو که بخواهد مخیر است)

بینه

الف_ برای اثبات قتل دوشاهد عادل مرد (فعدلان ذکران) باید باشد (شهادت زنان قابل قبول نیست) و شهادت باید از هرگونه احتمال خالی باشد و دوشاهد باید بروصف واحدی باهم اتفاق نظر داشته باشند.

ب_ اگر یکی شهادت دهد که فلانی اقرار به قتل کرده است و دیگری که او را هنگام قتل دیده است قتل ثابت نمیشود بلکه لوث ثابت میشود.

قسامه

الف **تعریف**: (فتنبت مع اللوث) قسامه با لوث اثبات می شود و در صورت عدم وجود آن، منکر بر عدم انجام فعل، یکبار قسم می خورد و قول او مقدم است و تعداد آن پنجاه قسم به خداوند متعال در قتل عمد و خطایی است.

ب **لوث** (واللوث اماره یظن بها صدق المدعی) لوث اماره ای است که گمان به صدق مدعی را به وجود می آورد.

پ **مصادیق لوث**:

1_ صاحب سلاح در حالی که سلاحش آغشته به خون است نزد فرد کشته شده که در خون غوطه وراست، یافته شود.

2_ فرد کشته شده را در خانه قومی یا روستای آنها پیدا کنند.

3_ شهادت یک نفر عادل به کشته شدن مقتول توسط آنکه علیه او ادعا شده است.

نکته: با شهادت جماعتی از کودکان لوث ثابت نمی شود مگر آنکه به حد تواتر برسد.

قصاص عضو

موجب قصاص عضو

الف: (بالمثلغ غالبا و ان لم يقصد الاتلاف) با وسیله ای که غالبا موجب تلف می شود هرچند قصد از بین بردن نباشد.
ب: (غیرالمثلغ غالبا مع القصد الی الاتلاف) با وسیله ای که غالبا موجب تلف نمی شود ولی همراه با قصد از بین بردن باشد.

شرایط قصاص عضو

الف : شروط قصاص نفس

ب: دو عضو که در برابر هم قصاص می شوند در سلامت و عدم سلامت مساوی باشند و یا عضوی که قصاص میشود کمتر از عضوی باشد که به خاطر آن قصاص می شود.

نکته: (فلا تقطع الید الصحیحه بالشلاء و لو بذلها الجانی) دست سالم را در برابر دست شل قطع نمی کنند حتی اگر خود جانی دستش را جلو آورد اما دست شل را در برابر دست صحیح قطع می شود مگر آنکه از سرایت جراحت بترسیم.

نکته: دست راست را در برابر دست راست، قطع می کنند (در واقع هر عضوی در برابر مثل همان عضو)

نکته: اگر آنکه دست راست دیگری را قطع کرده، دست راست نداشته باشد در مرحله اول دست چپ او را قطع می کنند و اگر دست چپ نداشته باشد پای راست او را قطع می کنند و اگر پای راست نداشته باشد پای چپ او را قطع می کنند.

نکته: اگر فردی دستان راست جماعتی را قطع کند، ابتدا دو دست و دو پارا برای چهار نفر قطع می کنند و در باقی باید دیه بدهد.

تست : لوٹ در کدام مورد به وجود می آید؟

1) شهاده جماعه الصبیان 2) شهاده الکافر الذی کان مامونا

3) شهاده العدل الواحد بقتل المدعی علیه 4) وجدان القتیل بین قرینین لایطرهما

تست : انما تثبیت القسامه ...

1) مع عدم البینه 2) مع اللوث

3) مع عدم اللوث 4) فی النفس لا الاعضا

قصاص در زخم های سرو صورت

1_ مواردی که در آن قصاص ثابت می شود

- الف_ فی الحارصه ، و هی القاشره للجلد :زخمی است که پوست سر در آن شکافته می شود.
- ب_ والباضعه،وهی الاخذة كثيرا اللحم :زخمی است که در گوشت سرفرو می رود.
- پ_ والسحاق ، وهی التي تبلغ الجلده الرقيقه المغشيه للعظم :زخمی است که به پوست نازکی که در روی استخوان سر است می رسد .
- ت_ والموضحة،وهی التي تكشف عن وضح العظم :زخمی است که در آن سفیدی استخوان ،نمایان می شود.
- نکته : در موارد بالا باید طول و عرض رعایت شود اما رعایت عمق آنها نیاز نمی باشد.

2_ مواردی که در آن قصاص ثابت نمی شود

- الف_ فی الهاشمة،وهی التي تهشم العظم:زخمی است که باعث شکستن استخوان می شود
- ب_ والمنقله ،وهی التي تحوج الى نقل العظم : زخمی است که باعث جابه جا شدن استخوان می شود.
- پ_ ولافی کسرالعظام:در شکستن استخوان

نکته : (و يجوز القصاص قبل الاند مال و ان كان الصبر الى الاند مال اولی) قصاص قبل از بهبودی فرد هم جایز است ولی اولی آن است که تا بهبودی فرد صدمه دیده صبر کنند.

ابزار مناسب قصاص چیست؟

و واجب در قتل عمد چیست؟

1_ قصاص فقط با آهن (حدید) انجام می گیرد و باید بررسی شود تا آلت از هرگونه سم به دور باشد و قصاص نفس فقط با شمشیر انجام می شود و تمثیل (تکه تکه کردن جانی) جایز نیست و قصاص با آلت کند (بالاله الکاله) نباید انجام گیرد.

2_ واجب در قتل عمد قصاص است

حکم سرایت قصاص چیست ؟

اجرت قصاص کننده بر عهده کیست؟

آیا قصاص به ارث می رسد؟

1_ اگر قصاص سرایت کند قصاص کننده ضامن نیست.

2_ اجرت قصاص کننده ابتدا از بیت مال در غیر این صورت از جانی دریافت می شود.

3_ وارثین مال مطلقا قصاص را به ارث می برند الا زن و شوهر

آیا توکیل در اجرای قصاص جایز است؟

آیا زن حامله را قصاص می کنند؟

1_ وکالت دادن در اجرای قصاص جایز است.

2_ زن حامله را قصاص نمی کنند تا وضع حمل کند و بچه شیر آغوز خود را بخورد.

((لغات باب القصاص))

ازهاق النفس : گرفتن جان لم يقصد : قصد نکند فلا قَوَدَ : قصاص ندارد

فأعقبه مرضاً : باعث بیماری وی گردد رماه : پرتاب کند المختوق : خفگی

يُعلم : معلوم باشد طرح : انداختن اللُّجَّة : آب

حَنَقَه : گلویش فسری : سرایت کند عُوُّ : جای بلند

ألقى : انداختن (پرتاب کردن) شاهق : مرتفع الإكل : خورنده

الُّصْن : دزد فلا ضمان : ضامن می باشد التَّقمه : ببلعد

الحوث : نهنگ شَهَدَ : شهادت بدهد اكرهه : مجبور نماید

الباقيون : آنها که باقی مانده اند إن شاء الولي : در صورتی که ولی دم بخواهد

الطَّرَف : عضو انتفاء : نبودن (منتفی شدن) ردَّ فاضلٍ ديته : رد مقدار زاید بر ديه

باقي الأرقاب : سایر خویشاوندان لم يقبل : پذیرفته نمیگردد

تخيَّر الولي : ولی دم مخیر است جرحه : وی را مجروح کرد وُجد : پیدا شود

قضینا : حکم نماییم

قُضی : حکم میشود

قَتَّل : مقتول

فلاة : بیابان

مَصْنَع : حوضچه

مَلَطَّخٍ بالدم : آغشته به خون

الشَّلَاء : فلج

العين : چشم

خيف : ترس (بیم)

الحديد : آهن

اليَد الصَّحِيحَةُ : دست سالم

الاندمال : خوب شدن

قُلعت : در آورده میشود ضوئ العين : قوه بینایی ذهب : از بین برود

تَبَقَى : باقی بماند كسر العظام : شکسته شدن استخوان لم يسْقُط : ساقط نمیشود

لَا يَقْتَصُّ : قصاص صورت نمیگیرد تُراعى : مراعات میگردد القوابل : قابله ها

جَنَى على الطرف : جنایتی بر روی عضو صورت گیرد